

## (مقاله پژوهشی)

رویکردهای کلامی و زمینه‌های شکل‌گیری سلفی‌گری تکفیری  
مرتضی اخلاقی فرد<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۲

## چکیده

پژوهش حاضر تبیین رویکردهای کلامی و زمینه‌های شکل‌گیری سلفی‌گری تکفیری است. روش تحقیق حاضر، توصیفی و تحلیلی و از نوع کتابخانه‌ای است. با توجه به نتیجه‌ی تحقیق، به طور کلی سلفی‌گری در حوزه‌ی روش‌شناسی نقل‌گرا، در حوزه‌ی معرفت‌شناسی حدیث‌گرا، در حوزه‌ی هستی‌شناسی حس‌گرا، و در حوزه‌ی معناشناسی ظاهرگرا است. به عبارت دیگر اندیشه‌ی سلفی همیشه عقل‌ستیز و کاملاً ارتجاعی است و در شمول مذاهب فقهی چهارگانه‌ی اهل سنت نیست. سلفی‌گری تکفیری به‌گرایش‌گروهی از سلفیون گفته می‌شود که مخالفان خود را کافر می‌شمارند. براساس مبنای فکری آنان میان ایمان و عمل تلازم وجود دارد، به این معنی که اگر کسی ایمان به خدا داشته باشد و مرتکب کبائر شود، از دین خارج شده و کافر واجب‌القتل شمرده می‌شود. در جهان اسلام تنها گروهی که چنین عقیده‌ای داشتند، خوارج بودند. چنین دیدگاهی موجب شده است که سلفی‌های تکفیری، بسیاری از مسلمانان را در ردیف مشرکان قرار دهند و در نتیجه آنان را مهدورالدم بدانند. مهم‌ترین نوع سلفی‌گری تکفیری، وهابیان هستند. تکفیری‌ها خود را محور اصلی تفکر سلفی بر می‌شمارند و ضمن دوری از وهاب‌ی نامیدن خود، بر سلفی بودن اصرار دارند. آنان می‌کوشند دیگر جریان‌های سلفی را با محور خویش مدیریت کنند. در مواجهه با گروه‌های تکفیری، این حرکت انحرافی را باید در تضاد با اصول و باور سلف دانست و بر عدم مصادره‌ی این عنوان از سوی آنان تأکید کرد.

واژگان کلیدی: رویکردهای کلامی، سلفی‌گری تکفیری، وهابیت

<sup>۱</sup>. استادیار گروه ادیان و عرفان، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

## مقدمه

قرآن و سنت پیامبر اسلام و ائمه (علیهم‌السلام) اصلی‌ترین منبع برای شناخت باورها و اعمال دینی اسلام هستند. به اعتقاد مسلمانان در قرآن هیچ‌گونه باطل و اشتباهی راه ندارد و از زمان نزول تا کنون بدون تحریف باقی مانده است. سنت نیز شامل گفتار و رفتار پیامبر و ائمه (علیهم‌السلام) است که به صورت مکتوب نسل به نسل منتقل شده است. در دین اسلام دو مذهب اصلی شیعه و اهل سنت وجود دارد که هر یک به فرقه‌های متعدد تقسیم شده‌اند. مهمترین اختلاف بین این دو مذهب مساله‌ی امامت یا جانشینی پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) است. اما علاوه بر آن در بعضی مسائل اعتقادی و احکام دینی نیز با یکدیگر تفاوت دارند.

اهل سنت نیز یکی از دو فرقه‌ی بزرگ از مسلمانان است که اکثریت مسلمانان را در برمی‌گیرد و پیروان این مذهب نیز به فرقه‌های متعددی منشعب شده‌اند که این انشعاب‌ها دو محور اعتقادی و فقهی دارد. تفاوت نگرش در اعتقادات باعث ایجاد سه‌گرایش معتزله، اشعری و ماتریدی شده است. تفاوت در فهم احکام فقهی و فروع دین نیز منتهی به ایجاد چهار مذهب فقهی حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی شده است (نصر، ۱۳۸۲: ۵۹).

اصطلاح اهل سنت از دو واژه عربی اهل و سنت ترکیب یافته است. اهل در لغت به معنای گروهی است که در امری از امور با هم شریک باشند مانند: اهل بیت که در پیوند خانوادگی، و اهل اسلام که در عقیده‌ی قلبی، شریک یکدیگرند. سنت در لغت به راه و روش نیکو و پسندیده گفته می‌شود و نقل‌های متعددی در خصوص نحوه‌ی پیدایش اصطلاح اهل سنت مطرح است که سه قول قابل اعتنا در این باره وجود دارد:

۱. از کلمات برخی از اهل حدیث و اشاعره استفاده می‌شود که به نظر آنان این اصطلاح در عصر صحابه معروف بوده است، ولی هیچ‌گونه شاهی از حدیث یا تاریخ آن را تأیید نمی‌کند.

۲. سهل بن محمد سجستانی رازی در کتاب الزینه چنان که در کشف‌الظنون جزء سوم آمده، تاریخ پیدایش این اصطلاح را عهد و زمان خلفای عباسی دانسته و گفته است: در عصر معاویه گروهی از مسلمانان که هواخواه عثمان بودند، عثمانیه نامیده می‌شدند، و

دوستداران علی (علیه السلام) علویه خوانده می شدند و آنان پیش از آن به شیعه معروف بودند، آن گاه در زمان حکومت عباسیان نام علویه و عثمانیه، نسخ گردید، علویه به نام پیشین خود، یعنی شیعه و دیگران اهل سنت نامیده شدند، و این دو نام پس از آن ادامه یافت.

۳. نقل دیگر این است که تاریخ این اصطلاح، به اواخر قرن اول یا اوایل قرن دوم هجری باز می گردد. چنان که در رساله ای که عمر بن عبدالعزیز (متوفی ۱۰۱ ق) در ابطال نظریه ی قدر نوشته است، اصطلاح (اهل سنت) به کار رفته است، آن چه از ظاهر کلام عمر بن عبدالعزیز استفاده می شود، اهل سنت به معنای اصطلاحی آن نیست، بلکه مقصود محدثان و ناقلان و عاملان به سنت نبوی است، چنان که گفته است: "تحقیقاً شما دانستید که اهل سنت می گفتند: چنگ زدن به سنت راه نجات است".

با در نظر داشتن این مطلب که قول اول را هیچ گونه شاهی از حدیث و تاریخ تأیید نمی کند، و در قول سوم این احتمال وجود دارد که، مراد از اهل سنت، اهل سنت به معنای اصطلاحی نبوده، بلکه مقصود محدثان و ناقلان و عاملان به سنت نبوی بوده است، به نظر می رسد قول دوم به واقعیت نزدیک تر است، بنابراین تاریخ پیدایش اصطلاح اهل سنت در زمان خلفای عباسی بوده، و سه اصطلاح دارد:

۱. اهل سنت در مقابل اصطلاح شیعه.

۲. اهل سنت در مقابل اهل بدعت.

۳. گرفتن ظواهر آیات و روایات و اجتناب از توجیه حتی در متشابهات قرآن و سنت (سلفیه).

از میان مذاهب گوناگون اهل سنت، چهار مذهب حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی در طول تاریخ بیش از همه اهمیت یافته اند و در حال حاضر نیز اکثریت قریب به اتفاق اهل سنت و جماعت، پیرو همین مذاهب چهارگانه اند. به عنوان مذاهب دیگر فقهی در میان اهل سنت و جماعت باید از مذهب اوزاعی، مذهب سفیان ثوری، مذهب ابو ثور و مذهب ظاهری یاد کرد که جز آثار بسیار محدود از مذاهب اخیر، همگی به تاریخ سپرده شده اند (ابن بابویه، ۱۳۹۰: ۱۳۴).

مهمترین مذاهب کلامی اهل سنت عبارتند از: اهل حدیث که پیش از ظهور احمد بن حنبل (۱۶۴-۲۴۱ق) از اصول خاصی پیروی نمی‌کردند، بلکه افرادی با گرایش‌های گوناگون تحت عنوان اهل حدیث گرد آمده بودند و در میان آنها، افراد مرجئی، ناصبی، قدری، جُهَنی، واقفی و متشیع زیاد دیده می‌شد و سیوطی اسامی آنان را در اثر خود آورده است، ولی آنگاه که احمد بن حنبل در رأس اهل حدیث قرار گرفت، همگان را تحت عقیده‌ی واحدی که عقیده‌ی اهل سنت نامید، درآورد (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۷ الف: ۶۳). معتزله که در تأکید بر روی عقل آنچنان جدی بود که بر خلاف بسیاری از فقها که حدیث را مطلق می‌دانستند آنان اعتقاد داشتند که در تعارض حدیث با عقل، عقل مقدم است. به علاوه بر خلاف نظر بسیاری از علما، اعمال و احادیث صحابه را مطلق و لازم الاجرا نمی‌دانستند (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۶۳). اشعریه در آغاز قرن چهارم اسلامی توسط ابوالحسن علی بن اسماعیل اشعری (۲۶۰-۳۳۰ ق) ایجاد شد. او شاگرد ابوعلی جبائی از عالمان معتزلی بود، اما از معتزله دست برداشت و به تنظیم عقاید سنت موروث از احمد بن حنبل پرداخت. کتب بسیاری در اثبات روش خود نوشت و کوشید با وجود نهی اصحاب سنت و حدیث، ادله‌ی کلامی را برای اثبات این عقاید به کار برد. اشاعره را می‌توان جمع میان معتزله و اهل حدیث دانست ولی آن‌ها نیز عقاید معتزله را مردود می‌دانستند (خاتمی، ۱۳۷۰: ۴۸). ماتریدیه که همزمان با اشعری و توسط ابومنصور ماتریدی سمرقندی در مشرق جهان اسلام با برنامه‌ای مشابه ابوالحسن اشعری ظهور کرد. او که خود را ناصر اهل سنت خواند مکتبی را پی ریزی کرد که گرایش‌های عقلانی آن بیش از اشعری بود و سرانجام مکتب او مکتبی متوسط بین دو مکتب معتزله و اشعری قرار گرفت (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۷ الف: ۶۳). به نظر برخی او اندیشه‌های کلامی خود را از ابوحنیفه رئیس مذهب فقهی حنفیه اهل سنت گرفته زیرا ابوحنیفه پیش از آن که به فقه پردازد، دارای حلقه‌ی کلامی بود و آن‌گاه که با حماد بن ابی سلیمان رابطه برقرار کرد، بحث کلامی را ترک کرده و به فقه پرداخت (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۷ ب: ۱۵). وهابیت که منسوب به شیخ محمد فرزند عبد الوهاب نجدی است خود را سلفیه می‌نامند و مسائلی را بر اصول سلفیه افزودند که بیشتر مربوط به توحید و شرک است. محمد بن عبدالوهاب با مطالعه‌ی کتاب‌های ابن

تیمیه، گرایش خاصی به احیای اندیشه‌های او پیدا کرده و در این رابطه زیارت پیامبر، تبرک به آثار او، توسل به وی و بنای سایبان بر قبور را شرک دانست و دیگر طوایف مسلمین را متهم به شرک و خروج از دین کرد و تنها مذهب وهابیت را اهل نجات دانست. وهابیون خود را منتسب به حنبلی‌ها می‌دانند، بدین معنی که بسیاری از اعتقادات خود را از احمد بن حنبل و آرا و عقاید وی گرفته‌اند. با این حال بسیاری از علمای حنبلی، وهابیت را فرقه‌ای جدا از خود قلمداد کرده و از نزدیکی به آن خود را مبراً کرده‌اند (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۰: ۲۹). خوارج که نسبت به دو خلیفه ی نخست مهر ورزیده و از خلیفه ی سوم و چهارم تبری می‌جویند در سال ۳۷ هجری در جریان جنگ صفین و مساله ی حکمیت پدید آمد. خوارج را مارقه یا مارقین نیز می‌نامند (صابری، ۱۳۸۳: ۳۷۷). از میان گروه‌های خوارج تنها فرقه اباضیه که فرقه‌ای معتدل از خوارج است باقی مانده‌اند که هم‌اکنون پایگاه اصلی آنان کشور عمان است و مذهب رسمی این کشور نیز اباضیه است. البته آنان در بخش‌هایی از لیبی و جنوب الجزایر نیز وجود دارند (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۷ق: ۱۱۵).

### سلفی‌گری و تکفیر

واژه ی تکفیر از فعل کفر مشتق شده است، منظور از تکفیر، حکم کردن به خروج کسی از اسلام به خاطر الحاد و انکار است، خصوصاً اگر به خدا شرک بورزد و مرتد از اسلام شود یا با نیت یا قول یا فعل به اصول دین ایمان نیاورد، لذا تکفیر به معنای اتهام دیگران به کفر و الحاد (یا ظالمانه و یا حقیقتاً) است (علیپور گرجی؛ شعبانی کیا، ۱۳۹۷: ۱۶۱). کفر در اصطلاح عبارت است از انکار چیزی که علم ضروری از جانب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) حاصل شده است (فاضل مقداد، ۱۴۰۵ق: ۴۴۳). ابن میثم بحرانی می‌گوید: کفر عبارت است از انکار صدق پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و انکار چیزی که علم داریم از جانب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رسیده است (بحرانی، ۱۴۰۶ق: ۱۷۱).

### تکفیر در جهان اسلام

یکی از معضلات اساسی در میان مذاهب اسلامی، مساله ی تکفیر مخالفان است، به این

معنی که در مقاطعی از تاریخ، گروهی از مسلمانان مخالفان خود را کافر نامیده‌اند. این مساله در میان شیعیان و اهل تسنن، و فرق مختلف آن نیز دیده می‌شود. برای مثال، محمد بن موسی حنفی، قاضی دمشقی، شافعی‌ها را تکفیر کرده، یا ابو حامد طوسی، حنابله را رمی به تکفیر کرده است (علی زاده موسوی، ۱۳۹۱: ۲۷۹). ولی در این گونه دیدگاه‌ها توجه به دو نکته اهمیت اساسی دارد: نخست آن که چنین فتوایی در تاریخ اسلام امر رایجی میان دانشمندان بزرگ نبوده است، و دوم این که، هرچند چنین نظریاتی در میان مذاهب مختلف دیده می‌شود، هیچ یک از مذاهب اسلامی حکم به استباحه ی خون و مال مخالفان خود نداده‌اند.

فتنه‌ی تکفیر به همراه اباحه ی خون، مال و ناموس در تاریخ اسلام، با خوارج آغاز می‌شود، بر بهاری در قرن چهارم براساس این مبنا، خون و مال مسلمانان را مباح شمرده و به کشتار و غارت اموال و جان مسلمانان می‌پردازد. در عصر حاضر، وهابیت و گروه‌های افراطی سلفی، تحت حمایت وهابیت افراطی چنین رویکردی را در پیش گرفته‌اند و بر اساس آن، تیغ تکفیر را در حوزه ی نظر و عمل بر پیکر مسلمانان فرود می‌آورند. کشتارهایی که در عراق، سوریه، پاکستان و الجزایر و سایر مناطق اسلامی توسط تروریست‌های تکفیری صورت می‌گیرد ریشه در همین دیدگاه دارد. کفر یکی از واژه‌های پرکاربرد تروریسم تکفیری است، و تروریست‌ها مخالفان خود را، از جمله مسلمانان ناهمسو را به کفر متهم کرده و در راه کشتن آنان قدم بر می‌دارند (روحی، ۱۳۹۳: ۱۲).

## ۲-۱. اقسام کفر

واژه ی کفر دارای انواع مختلف می‌باشد که عبارتند: **کفر انکار**؛ یعنی کسی که به قلب و زبانش به خدا و رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) کافر شود. **کفر جحود**؛ یعنی کسی که به قلبش به خدا و رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) ایمان داشته باشد و آن دو را تصدیق کند، ولی به زبان آن را اقرار نکند، بلکه انکار نماید. **کفر عناد**؛ این که به قلب بشناسد، و به زبان اقرار کند، ولی از روی عناد و حسد به آن متدین نشود. **کفر نفاق**؛ این که به زبان اقرار کند، ولی به قلب معتقد نباشد، همانند منافق (فیروز آبادی، ۱۴۱۴ق: ۲۵۴).

## ۲-۲. برخی از نظرات در مورد تکفیر اهل قبله

جمهور فقیهان و متکلمان بر این باورند که کسی حق ندارد دیگری را که اهل قبله است و به طرف آن نماز می خواند، با اقرار به شهادتین و عدم انکار ضرورتی از ضروریات دین تکفیر نماید: قاضی سبکی می گوید: اقدام بر تکفیر مومنین جداً دشوار است و هر کسی که در قلبش با ایمان است تکفیر اهل هوا و بدعت را دشوار می شمرد، در صورتی که اقرار به شهادتین دارد، زیرا تکفیر امری دشوار و خطیر است (شعرانی، ۹۷۲: ۵۸). قاضی ایجی می گوید: جمهور متکلمین و فقیهان بر این اتفاق دارند که نمی توان احدی از اهل قبله را تکفیر نمود (جرجانی، بی تا: ۳۹۲). تفتازانی می گوید: مخالف حق از اهل قبله کافر نیست، مادامی که ضرورتی از ضروریات دین را مخالفت نکند، مثل حدوث عالم، حشر اجساد (عمیره، ۷۶۸ق: ۲۲۷). ابن عابدین می گوید: در کلمات صاحبان مذاهب بسیار تکفیر دیگران مشاهده می شود ولی این گونه تعبیرها از کلام فقهای مجتهد نیست و معلوم است که اعتباری به غیرفقهها نیست (عابدین، ۱۴۱۵ق: ۲۳۷).

### معنای لغوی و اصطلاحی سلفی

واژه‌ی سلف یا سلفی به دو معنای لغوی و اصطلاحی به کار می رود: در معنای لغوی، تقریباً همه‌ی اهل لغت اتفاق دارند که سلفی از سلف به معنای پیشین است، همچنین سلف به معنی گذشتگان آمده و قوم سلف را پیشینیان ذکر کرده اند (احمد ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۹۵). در تعریفی دیگر هر چیزی که آن را مقلدّم بدانیم، سلف محسوب شده است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۲۵۸).

معنای اصطلاحی سلفی در آثار محققان مسلمان به دو مفهوم به کار رفته است: مفهوم اول؛ در مورد کسانی است که مدّعی‌اند در اعتقادات و احکام فقهی به سلف صالح اقتدا می‌کنند. مفهوم دوم؛ به رویکرد، گرایش و رفتار یک جریان خاص اشاره دارد که هر چند به ظاهر به پیشینیان (پیامبر، صحابه، تابعین، تابعین تابعین) رجوع می کند اما در این مراجعه گزینشی رفتار کرده و پیروان برخی از صحابه و تابعین به ویژه شیعیان را کافر و مستحق مجازات ارتداد می داند.

### ۳-۱. زمینه‌های شکل‌گیری جریان سلفی‌گری

شکل‌گیری جریان سلفی‌گری از دیدگاه‌های تاریخی و فکری به اختصار عبارتند از:

### ۳-۱-۱. زمینه‌های فکری

مبنا و ریشه‌های تفکر سلفی به قرن هفتم زمانی که ابن تیمیه عقایدش را مطرح کرد، و تمام تفکراتی که در خصوص سلفی‌گری در جهان اسلام وجود دارد نشأت گرفته از عقاید ابن تیمیه است و تمام تفکرات و عقاید او در سه مبنا خلاصه می‌گردد:

#### مبنای اول

اولین تفکری که ابن تیمیه مطرح نمود و باعث گردید به بدعت تبدیل شود، پیروی از سلف صالح خویش است. ابن تیمیه بر اساس حدیث خیر القرون (حدیث خیر القرون از طریق عمران بن حصین و عبدالله بن مسعود در صحیحین از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است: خَيْرُ النَّاسِ قَرْنِي، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ، ثُمَّ يَجِيءُ أَقْوَامٌ تَسْبِقُ شَهَادَةَ أَحَدِهِمْ يَمِينَهُ وَيَمِينَهُ شَهَادَتَهُ) گفت: هر شخصی که از صحابه، تابعین و تابعین تابعین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پیروی کند، راه سعادت را در پیش گرفته است و غیر از این جایز نیست. زمانی که ابن تیمیه بحث از پیروی یعنی پیروی از سلف صالح می‌کند، تبعاتی مثل اجتهاد و تقلید و بحث عقل هم به وجود می‌آید که جز مبانی حقیقی او است؛ ابن تیمیه تفکرش پیروی از سلف بود و اجتهاد و تقلید کردن را جایز نمی‌دانست و بیان نمود که اگر کسی از امامان اربعه‌ی اهل سنت تقلید کند، بدعت در دین است، و معتقد بود در هیچ قسمت از دین و قرآن بیان نشده و در نتیجه معتقد بود که تقلید کردن حرام است و هرکس که تقلید می‌کند باید توبه داده شود، در غیر این صورت باید کشته شود.

#### مبنای دوم

از دیگر اعتقادات فکری مهمی که ابن تیمیه دارد بحث ظاهرگرایی است. چون خود متأثر از اصحاب حدیث و اصحاب اثر بود، بحث ظاهرگرایی (یعنی فقط ظاهر قرآن و روایات) برایش حجّت بود و اهمیت داشت. به طوری که در ظواهر آیات آن قدر تعصب نشان می‌داد که حاضر به اندکی تعمق در زوایای پنهان آیات نبود.

ابن تیمیه در رساله‌ای به نام مقدمه فی أصول النفسیر، به بیان روش‌های تفسیر می‌پردازد و می‌گوید که صحیح‌ترین روش تفسیر، تفسیر قرآن به قرآن است؛ چون مطلبی



که در یک جا مجمل آمده، در جایی دیگر از قرآن تفسیر و تبیین شده است و آنچه مختصر آمده، در جایی دیگر به طور مبسوط توضیح داده شده است. اگر این روش ممکن نشد، به سنت مراجعه می‌شود که همانا سنت، شارح و توضیح دهنده ی قرآن است (ابن تیمیه، ۱۳۹۲ق: ۹۳).

### مبنای سوم

اصول فکری و اعتقادی مهم دیگری که ابن تیمیه پایه ریزی نمود توسعه در مفهوم عبادت بود که در بحث تکفیر سلفی جهادی بسیار اثرگذار است، وی در کنار معنای لغوی عبادت که خضوع و تسلیم بودن است عنصر جدیدی به نام حبّ اضافه کرده و معتقد است بدون این عنصر عاطفی و وجدانی، عبادتی که خداوند آن را هدف آفرینش و انگیزش رسولان و انزال کتاب های آسمانی معرفی کرده، محقق نمی‌شود. بنابراین، به اعتقاد/ابن تیمیه در عبادت تحقق دو عنصر و شرط همراه با یکدیگر، ضروری است: نهایت خضوع برای خدا و نهایت درجه ی محبت برای خدا (شریفات، ۱۳۹۴: ۷۳). لذا اگر شما در مقابل ضریح پیامبر (صلّ الله علیه و آله و سلّم) یا اولیاء الله خضوع و خشوع داشته باشید، به معنای عبادت نبوده و شرک و حرام است و نوعی بت پرستی به حساب می‌آید و این تفکر باعث گردید شمه ای از بحث تکفیر به سمت افراط گرایی برود. ابن تیمیه این سه مبنا را در قرن هفتم مطرح نموده و هر چند که آن زمان به آن اعتنای زیادی نشد و حتی باعث زندانی شدن او گردید ولی شاگردان او بعد از او، این راه را ادامه داده و اولین اثرات این تفکر در قرن دوازدهم زمانی که محمد بن عبدالوهاب این تفکر نظری را به تفکر عملی تبدیل کرد، نمودار شد.

### ۳-۱-۲. زمینه های تاریخی

در قرن چهارم هجری گروهی از اهل حدیث خود را پیرو سلف صالح دانسته و جریان سلفی و سلفی گری را به وجود آوردند. این گروه مدعی شدند که می‌خواهند امت اسلام را از انحراف و کج اندیشی به راه راست برگردانند. آنان عقل و دلایل عقلی را قبول نداشته و به همین دلیل با معتزله به نزاع پرداختند. سلفیان فقط به ظاهر آیات و روایات توجه و از هر گونه تفسیر و تاویل پرهیز می‌کردند و می‌توان از زمان بیان مبانی فکری سلفی گری

در قرن هفتم هجری توسط ابن تیمیه حرّانی، سیر تاریخی و شکل‌گیری این جریان را تا قرن پانزدهم در چهار دوره‌ی تاریخی تقسیم نمود:

### دوره‌ی اول (شکل‌گیری فکری)

مرحله‌ی نخست، که از آن تحت عنوان شکل‌گیری فکری یاد می‌شود، توسط ابن تیمیه حرّانی و تحت نفوذ تعالیم احمد ابن حنبل در قرون هفتم و هشتم هجری بنیان‌گذاری شد. در این دوره مبانی اعتقادی و فکری جریان سلفی توسط پایه‌گذار اصلی آن یعنی ابن تیمیه، شکل‌گرفت (هوشنگی و پاکتچی، ۱۳۹۰: ۶۷).

### دوره‌ی دوم (تطبیق و اجرا)

محمد بن عبدالوهاب در قرن دوازدهم هجری قمری با طرح مجدد ادعای بازگشت به اسلام اصیل، اندیشه‌ی پیروی از سلف صالح را بار دیگر به عرصه‌ی منازعات کلامی آورد (فراستخواه، ۱۳۷۷: ۱۲۹). مردی که با برخورداری از حمایت محمد بن سعود که در آن روزگار یک امیر محلی بود، توانست دعوتی را که سال ۱۱۴۳ قمری آشکارا اعلام شد، در نقاط مختلف جزیره‌العرب گسترش دهد (زرکلی، ۱۹۸۶م: ۲۵۷). محمد بن عبدالوهاب و جانشینان او توانستند از اواسط قرن دوازده تا اوایل قرن سیزده هجری نوعی از عقاید سلفی‌گری را که همراه با تکفیر سایر مذاهب اسلامی (وهابیت) بود را در محیط محدود حجاز به مرحله‌ی آزمایش و اجرا درآورند. در جنبه‌ی عملی، جریان اعتقادی و سیل آسا را سازماندهی کرد که توانست پهنه‌ی وسیعی از عربستان را فتح کند و حکومت حامی خود -یعنی حکومت آل سعود- را در جزیره‌العرب بر سر کار آورد و ضربه‌ای محکم بر سیادت دولت عثمانی در منطقه وارد آورد. به گونه‌ای که امروز هم قرائت وهابی از اسلام و گفتمان رسمی حاکم بر عربستان تحت سیطره‌ی خاندان آل سعود است.

### دوره سوم (شکوفایی و رشد)

دوره‌ی شکوفایی و رشد سلفی‌گری و تبدیل آن به یک جریان نیرومند و تأثیرگذار در جهان اسلام از هند و پاکستان در آسیا گرفته تا مصر و الجزایر در آفریقا است که بنیادگرایی نام گرفت. بعدها به بنیادگرایی، پسوند اسلامی نیز اضافه شد و این تفکر به یکی از اندیشه‌های سیاسی رادیکال تبدیل گردید. بنیادگرایی سلفی به ویژه در مصر ابتدا ترکیبی از

بنیانگذاران وهابی دولت عربستان سعودی و تعالیم فرقه‌ی سلفیه‌ی ملهم از محمد عبده و محمد رشید رضا بود که بازگشت به اسلام اولیه یا وضع پیشین را تبلیغ می‌کرد. این دو رگه‌ی بنیادگرایی بعدها از یکدیگر جدا شدند و سلفیه نمود فعالیت انقلابی و رادیکال و از سوی دیگر، وهابی‌گری مظهر محافظه‌کاری شد (عنایت، ۱۳۷۲: ۱۲۸).

### دوره چهارم (باورسازی)

آخرین دوره‌ی عارض بر جریان سلفی است تبدیل اندیشه‌ی سلفی به یک ایدئولوژی انقلابی در آغاز قرن پانزدهم هجری و ظهور پدیده‌ی تشکیل گروه‌های سلفی سیاسی-جهادی در مصر، افغانستان، کشمیر، فیلیپین و جمهوری‌های تازه استقلال یافته شوروی سابق و یمن است. این مرحله بیش از همه متأثر از افکار و عقاید سید قطب نویسنده و نظریه پرداز مصری است.

بنابراین خاستگاه اولیه‌ی جریان سلفیت، منطقه‌ی نجد در عربستان سعودی است که در قرن دوازدهم هجری توسط محمدبن عبدالوهاب با شعار احیای دوران سلف صالح با عنوان موحدون، حرکت خود را شروع کرد (علی بخشی، ۱۳۹۴: ۹۵).

زادگاه دوم جریان سلفیت شبه قاره‌ی هند است که براساس اندیشه‌ها و برداشت‌های شاه ولی الله دهلوی شکل گرفته و به عنوان سلفیت دیوبندی معروف شد. نظرها و دیدگاه‌های ولی الله دهلوی، تفاوت‌های زیادی با نظریه‌ها و دیدگاه‌های محمد بن عبدالوهاب داشت. گرایش دیوبندی منبع و منشأ تحولات سیاسی و مذهبی زیادی در شبه قاره‌ی هند شد و هم اکنون از جایگاه و نفوذ بسیار بالایی بین مسلمانان این منطقه برخوردار است.

سومین و مهمترین زادگاه جریان سلفیت، مصر است که منشأ بسیاری از جنبش‌ها و گرایش‌های سلفی در مصر و اکثر کشورهای اسلامی و حتی غیراسلامی شده است. سید جمال الدین اسدآبادی پس از مهاجرت به مصر، اولین فردی بود که ایده‌ی احیای هویت دینی جهت مقابله با نظام سلطه را مطرح کرد. سید جمال معتقد بود که با احیای هویت دینی، مسلمانان می‌توانند بر انحطاط حاکم بر کشورهای اسلامی غلبه کنند و عزت و عظمت از دست رفته‌ی خود را به دست آورند. نظریه‌ی وی را شاگردش شیخ محمد عبده با اصلاحاتی ادامه داد. شیخ محمد عبده نظریه‌ی سید جمال الدین را مبنی بر احیای

هویت دینی، روشن‌تر و مصداقی‌تر کرد و راه‌برون‌رفت از وضعیت کنونی و نجات مسلمانان و جوامع اسلامی را در احیای هویت دینی مطرح نمود. این نظریه مورد استقبال عده‌ی زیادی از علما و روشنفکران مصر قرار گرفت و برخی از جوانان انقلابی براساس نظریه‌ی عبده، انواع سازمانها و تشکیلات سلفی را بنیاد نهادند و به همین علت بنیان‌گذار و پدر جنبش‌های سلفی مصر را شیخ محمد عبده معرفی می‌کنند. پس از درگذشت شیخ محمد عبده در اوایل قرن بیستم میلادی، برخی از شاگردانش به رهبری سید محمد رشیدرضا، با تدوین کتاب‌ها، انتشار نشریه‌ها و ایجاد مراکز علمی و پژوهشی ابعاد علمی و مذهبی نظریه‌ی عبده را گردآوری و جوانان بیشتری را جذب تفکر سلفیت کردند. پس از رشیدرضا، شاگردش احمد حسن البنا با هدف احیای خلافت جهانی اسلام بر اساس شیوه و راه سلف، نظریه‌ی سلفیون ما قبل خود را به یک تشکیلات سازمانی تبدیل کرد و براساس آن سازمان اخوان المسلمین را بنیاد نهاد. مبانی فکری، روشهای سیاسی و شیوه تبلیغی اخوان المسلمین از جهات مختلف با سلفیت عربستان و شبه‌قاره‌ی هند تفاوت اساسی داشت و اختلافاتی را بین آنها ایجاد کرد (علی بخشی، ۱۳۹۴: ۹۵).

در نگاهی کلی باید گفت، دو دیدگاه و جریان در مورد تکفیر وجود دارد، در دیدگاه نخست گروه و جریان‌هایی مانند اخوان المسلمین سعی در اجتناب از ادبیات تکفیری داشته و راه اعتدال و اصلاح تدریجی را در جامعه‌ی مسلمانان در پیش گرفته است و جریان سمت دیگر مانند گروه‌های تکفیری جهادی که تلاش دارند به طوری گسترده از این واژه و مفهوم فقهی برای توجیه جهاد خود علیه دیگران (مسلمان و غیرمسلمان) بهره‌برداری و بدین ترتیب، مرز بین خودی و غیرخودی را مشخص کنند (علی یاری، ۱۳۹۴: ۱۲۴).

یکی از مباحث مهمی که در اندیشه‌ی سیاسی جریان سلفی مطرح است، مساله‌ی احزاب و کثرت‌گرایی است (کثرت‌گرایی یا پلورالیسم، در حوزه‌های مختلف فلسفه‌ی دین، فلسفه‌ی اخلاق، حقوق و سیاست، کاربردهای متفاوتی دارد که حدّ مشترک همه‌ی آنها، به رسمیت شناختن کثرت در برابر وحدت است). اگرچه دیدگاه‌های سلفی چندان تفاهم و توافقی با حضور و نقش‌آفرینی احزاب در حکومت اسلامی ندارد، اما گذر زمان و

مقتضیاتش سبب شده، زاویه‌ی دید برخی گروه‌های سلفی، از جمله جماعت اخوان المسلمین به تکرر در جامعه‌ی اسلامی تغییر کند، به گونه‌ای که عملاً موافقت خود را با کثرت‌گرایی و تجزیه در جامعه‌ی اسلامی اعلام کرده است. برخلاف جماعت اخوان، گروه‌های جهادی تکفیری از اساس مفهوم احزاب و کثرت‌گرایی را در جامعه‌ی اسلامی و حکومتداری رد می‌کنند (علی یاری، ۱۳۹۴: ۱۲۴). در اندیشه‌ی سیاسی سلفیان تکفیری حکومت بر مبنای دموکراسی با شرک و کفر به خداوند مساوی است، زیرا معتقدند هدف از تشکیل حکومت، تصمیم‌گیری در تمام امور زندگی مردم و هدایت جامعه به سوی کمال ابدی است (راه چمنی، ۱۳۹۴: ۴۸).

سلفی‌ها در آغاز چندان اهمیتی به مفهوم و جایگاه امت و ملت نمی‌دادند و همواره بر مفهوم امت در مقابل ملت‌گرایی و ملی‌گرایی تأکید می‌ورزیدند. آنها ملت‌گرایی و ملی‌گرایی را مفهومی وارداتی و غربی می‌دانند که مخدوش‌کننده‌ی قوام امت اسلامی است و آن را نشانه جاهلیت تلقی می‌کنند (علی یاری، ۱۳۹۴: ۱۲۴).

### جریان‌های سلفی‌گری

جریان‌های سلفی‌گری عصر حاضر را می‌توان به شرح ذیل تقسیم کرد:

**سلفی‌گری تکفیری** - سلفی‌گری تکفیری به گرایش گروهی از سلفیون گفته می‌شود که مخالفان خود را کافر می‌شمارند. براساس مبنای فکری آنان میان ایمان و عمل تلازم وجود دارد. به این معنی که اگر کسی ایمان به خدا داشته باشد و مرتکب کبائر شود، از دین خارج شده و کافر واجب‌القتل شمرده می‌شود. در جهان اسلام تنها گروهی که چنین عقیده‌ای داشتند، خوارج بودند (محمد البغدادی، ۱۴۰۸: ۹۵). چنین دیدگاهی موجب شده است که سلفی‌های تکفیری، بسیاری از مسلمانان را در ردیف مشرکان قرار دهند و در نتیجه آنان را مهدورالدم بدانند. مهم‌ترین نوع سلفی‌گری تکفیری، وهابیان هستند. از دیگر گروه‌ها می‌توان به گروه‌های وابسته به مکتب دیوبندی در پاکستان مانند سپاه صحابه، لشکر جهنگوی، جیش محمد و لشکر طیبه که در زمره‌ی گروه‌های تکفیری قابل تقسیم هستند و جنایت‌های فجیعی را مرتکب می‌شوند اشاره کرد (علی زاده موسوی، ۱۳۹۲: ۸۳).

**سلفی‌گری جهادی** - نظریه پردازی درباره‌ی سلفی‌گری جهادی ریشه در اندیشمندان مصری دارد. سرچشمه‌ی این نوع از سلفی‌گری را نخست باید در اندیشه‌های سید قطب، جست‌وجو کرد. به عقیده‌ی سید قطب، جاهلیت قرن بیستم وخیم‌ترین نوع جاهلیتی است که در تاریخ بشر بر روی زمین ظاهر شده است. وی در چنین شرایطی جهاد را مطرح می‌کند و بیان می‌کند که در این شرایط مسلمان وظیفه دارد برای برپایی دین چه با کفار و چه با حاکمان دست‌نشانده‌ی کشورهای اسلامی جهاد کند. چنین رویکردی موجب شد که اخوان المسلمین با تأثیر از اندیشه‌های سید قطب، مواضعی جهادی در برابر دولت مصر بگیرد.

سلفی‌گری جهادی در فعالیت‌های خود تعریف رایج میان علمای اسلام که جهان را به دو بخش اسلام و کفر تقسیم می‌کنند، توجهی ندارد؛ بلکه با توسعه در مفهوم شرک و کفر، گروه بزرگی از مسلمانان را نیز از دایره‌ی اسلام خارج می‌کند. از سوی دیگر، روش و عملیات خشونت‌آمیز را سرلوحه‌ی فعالیت‌های خود قرار می‌دهد و به همین دلیل است که در برخی از کشورهای اسلامی که سلفیان جهادی حضور دارند آن‌ها بیشتر دشمنان خود را از مسلمانان تعریف کرده‌اند. سلفیان جهادی اصالت را به اسلحه، جهاد و مبارزه می‌دهند. البته میان سلفی‌گری تکفیری و سلفی‌گری جهادی، شباهت‌هایی وجود دارد و سلفی‌گری جهادی در خدمت سلفی‌گری تکفیری قرار گرفته است. انحراف در اندیشه‌ی سلفی‌گری جهادی هنگامی آغاز شد که سلفیان تکفیری کوشیدند این جریان را به نفع خود مصادره کنند. سازمان‌هایی مانند القاعده و حزب التحریر، به جای مبارزه با کافران، وارد مبارزه‌های عقیدتی درون دینی شدند (علی زاده موسوی، ۱۳۹۴: ۲۱).

**سلفی‌گری تبلیغی** - سلفی‌گری تبلیغی بیشتر در برابر سلفی‌گری تکفیری مطرح می‌شود. سلفی‌گری تبلیغی نوعی از سلفی‌گری است که محور فعالیت‌های خود را تبلیغ اندیشه‌ها و مبانی سلفیت قرار می‌دهد. در ماهیت این نوع از سلفی‌گری نیز تکفیر مخالفان دیده می‌شود اما در ظاهر نسبت به جهاد و مبارزه با مسلمانان کمتر تأکید دارد. سلفی‌گری تبلیغی می‌کوشد تا گفتمان سلفی‌گری را جهانی سازد. چندین هزار سایت اینترنتی و شبکه‌ی ماهواره‌ای، مسئولیت تبلیغ دیدگاه‌های سلفی‌گری را به عهده دارند. به‌عنوان مثال اهل

حدیث و اهل قرآن پاکستان بیشتر در باب سلفی‌گری تبلیغی فعال هستند و وهابیون در عربستان کتاب‌های آنان را در تیراژهای انبوه چاپ می‌کنند. از دیگر گروه‌های سلفی‌گری تبلیغی می‌توان به شبکه‌ی جماعت تبلیغ که در بیش از صد کشور جهان شعبه دارد و سالانه دو گردهمایی بزرگ را در پاکستان و بنگلادش برگزار می‌کند، اشاره کرد.

**سلفی‌گری سیاسی** - تعریف سلفی‌گری سیاسی نسبت به انواع دیگر سلفی‌گری با دشواری‌های بیشتری همراه است، زیرا از یکسو بسیاری از جریان‌های سلفی‌گری، هدف‌های سیاسی را در کنار هدف‌های اعتقادی دنبال می‌کنند و از سوی دیگر، غربی‌ها به تمام حرکت‌های اسلامی که قائل به ارتباط دین با سیاست باشند، عنوان سلفی‌گری و بنیادگرایی می‌دهند.

در تعریف سلفی‌گری سیاسی می‌توان گفت که نوعی از سلفی‌گری است که با وجود داشتن هدف‌های اعتقادی، بیشتر در پی هدف‌های سیاسی و به دست آوردن قدرت سیاسی است (احمدی، ۱۳۸۰: ۲۸). به‌طور کلی، جریان‌های سلفی را به دو گروه عمده می‌توان تقسیم کرد: گروه‌هایی که از راه فعالیت‌های سیاسی، بیشتر در پی اهداف اعتقادی هستند؛ مانند طالبان و جمعیت‌العلمای اسلام و شاخه‌ی فضل‌الرحمن. گروه‌های دیگر کسانی هستند که با بهره‌برداری از مبانی اعتقادی به دنبال اهداف سیاسی هستند، مانند جریان نوگرای وهابیت و شاخه‌هایی از جریان‌های محلی وابسته به القاعده مانند سازمان قاعده‌الجهاد فی بلاد الرافدین در عراق و گروه معدوم جندالله در ایران (علی زاده موسوی، ۱۳۹۱: ۱۰۱).

به‌طور کلی سلفی‌گری به جریانی اطلاق می‌شود که در حوزه‌ی روش‌شناسی نقل‌گرا، در حوزه‌ی معرفت‌شناسی حدیث‌گرا، در حوزه‌ی هستی‌شناسی حس‌گرا، و در حوزه‌ی معناشناسی ظاهرگرا است. به عبارت دیگر اندیشه‌ی سلفی همیشه عقل‌ستیز و کاملاً ارتجاعی است و در شمول مذاهب فقهی چهارگانه‌ی اهل سنت نیست.

### نتیجه‌گیری

سلفی‌گری تکفیری به گرایش گروهی از سلفیون گفته می‌شود که مخالفان خود را کافر می‌شمارند. براساس مبنای فکری آنان میان ایمان و عمل تلازم وجود دارد. به این معنی که

اگر کسی ایمان به خدا داشته باشد و مرتکب کبائر شود، از دین خارج شده و کافر واجب القتل شمرده می‌شود. در جهان اسلام تنها گروهی که چنین عقیده‌ای داشتند، خوارج بودند. چنین دیدگاهی موجب شده است که سلفی‌های تکفیری، بسیاری از مسلمانان را در ردیف مشرکان قرار دهند و در نتیجه آنان را مهدورالدم بدانند. مهم‌ترین نوع سلفی‌گری تکفیری، وهابیان هستند. بدون تردید یکی از الزامات تقابل با چنین وضعیتی، فهم دقیق هویت سلفی تکفیری و نیز میزان مخاطره‌آمیز بودن جریان تکفیری است. در واقع هدف گذاری، تعیین سیاست‌ها و بیان راهبردها و راهکارهای تقابل با این جریان، بیش از هر چیز نیازمند برآورد خطر و میزان تهدیدآمیز بودن آن است. فهم این تهدید نیازمند کشف نشانه‌های ظهور و بسط اندیشه‌ی تکفیری است. برخی از این راهبردها عبارت‌اند از: تفکیک میان اهل سنت، وهابیت و سلفیه و همکاری و تشریک مساعی با اهل تسنن و شیعیان منتقد سلفیه‌ی تکفیری، گفتگو و همفکری عالمان و بزرگان دینی و نخبگان فکری اهل سنت و شیعه، تقویت اتحاد و همبستگی میان تمامی مذاهب و اقوام و هوشیارسازی مبلغان دینی و اساتید مدارس و دانشگاه‌ها نسبت به خطر جریان تکفیری و ترور.

تکفیری‌ها خود را محور اصلی تفکر سلفی برمی‌شمارند و ضمن دوری از وهابی‌نامیدن خود، بر سلفی بودن اصرار دارند. آنان می‌کوشند دیگر جریان‌های سلفی را با محور خویش مدیریت کنند. در مواجهه با گروه‌های تکفیری، این جریان را باید در تضاد با اصول و باور سلف دانست و بر عدم مصادره‌ی این عنوان از سوی آنان تأکید کرد.

بر این نکته نیز تأکید می‌شود که در برخورد با تکفیری‌ها باید تقوا رعایت شود. از این نظر باید دقت کرد که سلفی‌ها الزاماً تکفیری نیستند و تکفیر و تکفیری را باید آن چنان که هستند و در همان سطح و حدی که قرار دارند معرفی نمود. همان‌گونه که در این خصوص، رهبرانقلاب اسلامی ایران می‌فرماید: "سلفی‌گری اگر به معنای اصولگرایی در کتاب و سنت و وفاداری به ارزش‌های اصیل و مبارزه با خرافات و انحرافات و احیای شریعت و نفی غریب‌دگی باشد، همگی سلفی باشید و اگر به معنای تعصب و تحجر و خشونت میان ادیان و مذاهب اسلامی ترجمه شود، با نوگرایی و عقلانیت - که ارکان تفکر و تمدن اسلامی‌اند - سازگار نخواهد بود و خود باعث ترویج سکولاریزم و بی‌دینی



خواهد شد." به همین دلیل، سلفی‌گری نه با وهابیت مساوی است و نه با اهل سنت. سلف که به معنای اقتدا به سلف صالح از جمله اهل بیت (علیهم‌السلام) است شامل همه گروه‌های مسلمان به ویژه شیعیان نیز می‌شود. از این رو لازم است میان این مفاهیم تفکیک دقیقی صورت پذیرد و سپس به طور جداگانه بر شاخصه‌های گروه‌های تکفیری تأکید شود.

## منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۰). *آمالی صدوق*، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تهران: نشر کتابچی.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم. (۱۳۹۲ق). *مقدمه فی اصول التفسیر*، بیروت: مکتبه الوقفیه.
- احمد بن فارس بن زکریا، ابوالحسین. (۱۴۰۴ق). *معجم مقائیس اللغه*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- احمدی، حمید. (۱۳۸۰). نگاهی به پدیده بنیادگرایی اسلامی ناکام در ستیز تاریخ، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، شماره ۴: ۲۴-۴۵.
- بحرانی، ابن میثم. (۱۴۰۶ق). *قواعد المرام*، قم: نشر کتابخانه آیت اله مرعشی نجفی.
- خاتمی، احمد. (۱۳۷۰). *فرهنگ علم کلام*، تهران: صبا.
- جرجانی، علی بن محمد. (بی تا). *المواقف*، قم: نشر الشریف الرضی.
- راه چمنی، ابوالقاسم. (۱۳۹۴). *چیستی و ماهیت جریان‌های افراطی و تکفیری*، تهران: گروه انتشاراتی المهدی.
- روحی، نبی‌اله. (۱۳۹۳). *مبانی اعتقادی تروریسم تکفیری*، *فصلنامه آفاق امنیت*، شماره ۲۳: ۳۶-۵.
- زرکلی، خیرالدین. (۱۹۸۶م). *الاعلام*، بیروت: دارالعلم للملایین.
- سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۳۸۷). *دانشنامه کلام اسلامی*، قم: موسسه امام صادق.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۷). *فرهنگ عقائد و مذاهب اسلامی*، قم: نشر توحید.
- \_\_\_\_\_ . (۱۴۲۷ق). *بحوث فی الملل و النحل*، قم: موسسه امام صادق.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۰). *آئین وهابیت*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- شریفات، عبدالحمید. (۱۳۹۴). *مفهوم عبادت از دیدگاه ابن تیمیه*، *نشریه سراج منیر*، شماره ۱۶: ۶۷-۸۸.

- شعرانی، عبدالوهاب بن احمد. (۹۷۲ق). *الیواقیت و الجواهر*، بیروت: نشر دارالکتب العلمیه.
- صابری، حسین. (۱۳۸۳). *تاریخ فرق اسلامی*، تهران: سازمان سمت.
- علی بخشی، عبدالله. (۱۳۹۴). *جریان شناسی گروه های سلفی جهادی و تکفیری*، تهران: موسسه المهدی.
- علیپور گرجی، محمود و شعبانی کیا، شادی. (۱۳۹۷). *سلفی گری از معنا تا برداشت های نادرست مبانی*، مجله سیاست پژوهی، شماره ۱۰: ۱۵۵-۱۷۳.
- علی یاری، حسن. (۱۳۹۴). *نقش کشورهای غربی در چگونگی شکل گیری اندیشه سلفی*، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، شماره ۴: ۱۱۹-۱۳۸.
- علی زاده موسوی، سید مهدی. (۱۳۹۴). *جریان شناسی سلفی گری مطالعه تنوع حاکم بر جریان های سلفی و زمینه های شکل دهنده به آن*، فصلنامه علمی و تخصصی روابط فرهنگی، شماره ۱: ۱۱-۲۴.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۹۱). *سلفی گری و وهابیت*، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۹۲). *مکتب دیوبند*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- عمیره، عبدالرحمن. (۷۴۸ق). *شرح المقاصد*، قم: نشر الشریف الرضی.
- عنایت، حمید. (۱۳۷۲). *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران: نشر خوارزمی.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله. (۱۴۰۵ق). *رشاد الطالبین*، ترجمه مهدی رجایی، قم: نشر کتابخانه آیت اله مرعشی نجفی.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۷۷). *سراغاز نواندیشی معاصر*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). *کتاب العین*، قم: نشر هجرت.
- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۴ق). *تاج العروس*، بیروت: نشر دارالفکر.
- محمد البغدادی، عبدالقاهر بن طاهر. (۱۴۰۸ق). *الفرق بین الفرق*، بیروت: نشر دارالعیل.

- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۴). *آشنایی با علوم اسلامی*، تهران: صدرا.
- نصر، سید حسین. (۱۳۸۲). *آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام*، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران: نشر جامی.
- هوشنگی، حسین و پاکتچی، احمد. (۱۳۹۰). *بنیادگرایی و سلفیه بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

## Theological Approaches and the Backgrounds for the Formation of Takfiri Salafism

Morteza Akhlaghifard<sup>1</sup>

### Abstract

The present research explains the theological approaches and the backgrounds for the formation of Takfiri Salafism. The research method is descriptive, analytical and library type. According to the results of the study, in general, Salafism is in the field of narrative methodology, in the field of hadith-oriented epistemology, in the field of sensory ontology, and in the field of appearance semantics. In other words, Salafi thought is always rational and completely reactionary and is not included in the four Sunni jurisprudential religions. Takfiri Salafism is the tendency of a group of Salafists who consider their opponents as infidel. According to their intellectual basis, there is a balance between faith and action. This means that if a person believes in God and commits a cardinal sins, he or she will leave the religion and be considered as the infidel and must be punished by death. In the Muslim world, the only group that had such beliefs was Khawarij. Such a view has led the Takfiri Salafists to place many Muslims in the ranks of polytheists, and thus consider them wasted blood. The most important type of Takfiri Salafism are Wahhabis. Takfirists consider themselves the centerpiece of Salafi thinking and insist on being Salafists while avoiding calling themselves Wahhabis. They are trying to manage other Salafist movements with their axis. In the face of Takfiri groups, this deviant move should be considered inconsistent with the principles and beliefs of the predecessor and emphasized the lack of confiscation of this title by them.

**Keywords:** theological approaches, Takfiri Salafism, Wahhabism

---

<sup>1</sup> - Assistant Professor of Religions and Mysticism Department, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran